

حسین بنی آدم

## مسائل فهرست نویسی و طبقه بندی در آثار شرقی

فهرست نویسی و طبقه بندی آثار شرقی در کتابخانه های دانشگاهی ناسامان و نا بهنجار است و پیرایشانی و تشتت در همه ارکان آن آشکارا به چشم می خورد، تا بدانجا که در میان انبوه فهرستهای برگزیده، حتی نمی توان دو برگه مربوط به يك اثر از يك نویسنده را یکسان و با دست کم مشابه یافت. این ناهماهنگی ناشی از عدم آگاهی به خصوصیات زبان و فرهنگ و تمدن ملی و نیز از کاربرد قواعد و دستورنامه هائی است که از مراجع دیگر بدون توجه به ضوابط ملی تقلید و به کار گرفته شده که خواهی نخواهی زوائد نا روا و بیمارگونه ای را پدید آورده است.

از این ناسامانیها فهرست گونه ای به ترتیب زیر فراهم آورده است:

الف: انتخاب مطلع و نام اشهر نویسندگان

ب: نام کتاب

ج: تعیین عنوان موضوعی

د کار برد نشانه های نگارشی (یا نشانه گذاری) و اختصارات

ه: تنوع و چند گونه ای اصطلاحات فهرست نویسی

و: زبان و خط اصلی که بیایدملاك تعیین ضوابط ثابت برای عنوان موضوعی

و جز آن باشد.

ز: جای ثابت و یکنواخت برای ضبط و ثبت مشخصات فنی که به کار فهرست

نویسی می آید.

اینک شرح هر کدام از موارد هفت گانه یاد شده:

الف- انتخاب مطلع و نام اشهر نویسندگان

آنچه در نگاه اول از مشاهده فهرست های کتابخانه های دانشگاه چشمگیر

است انتخاب و کار برد مطلع، معرف و یا شناسه (اعم از شخص، مؤسسه و یا متون)

است.

برای آنکه انتخاب سند شده باشد به فهرست چند کتابخانه از دانشکده ها و

مؤسسه های وابسته به دانشگاه تهران مراجعه نموده و معرف های گونه گونی را

برگزیده است. باپوزش خواهی از ذکر نام کتابخانه ها خودداری می نماید تا مبادا

گردمالال بر خاطری چند ریزد و خدای ناخواسته آتش کینه برافروزد!

و باز بدان سبب که آغاز سخن از جنبه تخصصی و حرفه ای تا حدودی به دور

ماند، نام «مولوی» را که همواره یاد آور حالات عرفانی و خصوصیات انسانی است

برای نمونه برگزید. نام مشهور این شاعر بلند پایه و بزرگ که بارها یادش را

گرامی داشته ایم و از وجودش بر پیکر ادب پارسی - خاصه شعر عرفانی - بسا در

صحنه های جهانی بر خود و قوم ایرانی بالیده ایم در کتابخانه های مختلف دانشگاهی

به صد زبان مذکور است:

(۱) مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، ... ۶۷۲ ه.ق.

(۲) الف: مولوی، جلال‌الدین محمد

ب: مولوی محمد جلال‌الدین بلخی رومی

ج: مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد

(۳) الف: مولوی رومی بلخی، محمد جلال‌الدین

ب: مولوی جلال‌الدین محمد

ج: مولوی مولانا جلال‌الدین رومی

(۴) الف: مولوی رومی، جلال‌الدین محمد

ب: مولوی جلال‌الدین محمد

(۵) مولوی، محمد جلال‌الدین

(۶) مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد

(۷) مولانا جلال‌الدین محمد (مولوی)

(۸) جلال‌الدین

یادت گرامی بادا! اگر در این دوره می‌زیستیم و به چشم می‌دیدیم که چگونه

نام بلند آوازه‌ات دستخوش نادانی و بی‌توجهی است هرگز نمی‌سرودی:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند از «جدائیه‌ها» شکایت می‌کند

بلکه شکایت از «کتابدارها» را عنوان می‌فرمودی!

این امر شایان توجه است که چگونه پس از خواندن نمونه‌های مختلف از

اشعار این شاعر بزرگوار در متنهای درسی دوره ابتدائی، متوسطه و عالی هنوز نام

مشهوری را نیاموخته‌ایم! آیا این کاستی ناشی از بدی شیوه تدریس زبان و ادب

پارسی نیست؟

نام دیگر «ابن جوزی» است.

(۱) ابن جوزی، جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، ... - ۴۹۷

ه. ق.

(۲) ابن جوزی، ابن الفرّج عبدالرحمن

(۳) جمال‌الدین جوزی، ابوالفرّج عبدالرحمن بن علی بن محمد

(۴) ابوالفرّج جوزی، جمال‌الدین عبدالرحمان

ابن جوزی از فقهای بنام سده ششم ه. ق است. وی نه تنها فقیه حنبلی، محدث و حافظ بلکه طبیب و تاریخدان و صوفی نیز بوده است. از حالات اوست که بسیار حاضر جواب و بدیهه‌گو بوده است زمانی که از عد دائمه از او سؤال می‌شود می‌گوید: «کم اقول اربعه، اربعه، اربعه» یعنی «چند بار گویم چهار، چهار، چهار» و اگر امروز در جمع ما بود شاید بدیهه‌ای به لحاظ فهرست - نگاران می‌گفت! نام نصیرالدین طوسی نیز به اشکال زیر است:

(۱) نصیرالدین طوسی، ابو جعفر نصیرالدین محمد بن حسن، ۵۹۷ - ۶۷۲ ه. ق

(۲) خواجه طوسی، نصیرالدین محمد

(۳) ابو جعفر نصیرالدین طوسی، محمد

یا طبری که آورده شده است:

(۱) ابو جعفر محمد بن جریر طبری

(۲) طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۲۲۴ - ۱۰ - ۳۱۱ ه. ق.

(۳) محمد بن جریر

تنها در مورد فارسی و عربی نیست که چنین وضعی مشهود است بلکه درباره:

اسامی مؤلفانی که آثار ایشان ترجمه شده عدم هماهنگی نیز وجود دارد.

مؤسسات به هنگامی که معرف واقع می‌شوند به صورتهای زیر مشاهده

گردید:

(۱) الف: وزارت آموزش و پرورش ایران

ب: ایران . وزارت آموزش و پرورش

(۲) الف: سازمان برنامه

ب: ایران . سازمان برنامه

(۳) الف: تهران - دانشگاه تهران

ب: دانشگاه تهران.

یکی از واحدهای دانشگاه تهران نیز کلیه روزنامه‌ها و نشریات ادواری را به صورت زیر فهرست کرده است:

ایران. روزنامه ایران شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ایران. روزنامه جبل‌المتین

پرتال جامع علوم انسانی

ایران. روزنامه رسمی

ایران. مجله دانشکده اقتصاد

در اینجا لازم به یادآور است که اینجانب از بکار بردن برخی از قواعد فهرست

نویسی برای آثار مؤسسه‌ها به شیوه «Anglo American Rules» ناخوشنود

است. چه فارسی آنچنان گویا و دارای وحدت در مورد اسامی خاص است که نیازی به زبان

مصنوعی ندارد اگر در قواعد فهرست نویسی انگلیسی برای کفتم دانشگاه تهران در

شکل متفاوت به کار می‌برد «University of Tehran» و «Tehran University»

برای جلوگیری از تشمت که احیاناً برخی از آثار زیر عبارت اول و در حرف «n»

در بعضی دیگر ذیل عبارت دوم و در نتیجه در حرف «ت» الفبائی نشود چنان قواعدی را مرسوم داشته است.

متون پهلوی و مانند آن نیز اغلب زیر نام مترجم یا مصحح قرار گرفته است با توجه به اینکه در این مورد قرار بر آنست که مطلع بر که با «پهلوی» آغاز گردد. کتابهای دینی از قبیل قرآن، کتاب مقدس و اوستا نیز دچار نا بسامانی‌های عجیب و غریب است.

قوانین و مقررات نیز بدین شکلها در فهرس دیده می‌شود:

(۱) ذیل نام گرد آورنده

کمانگر، احمد

دهمن ، فریدون

زندى ، محمد ابراهيم

(۲) ایران. آئیننامه‌ها و قوانین و مقررات

(۳) ایران. قوانین و احکامات و مطالعات فرهنگی

(۴) ایران. قوانین جامع علوم انسانی

(۵) ایران. قوانین و دستورها

نهج البلاغه و نهج الفصاحه بجای آنکه با معرف «علی بن ابیطالب» و محمد بن عبدالله» آغاز گردد با نام کتاب مذکور است. مهمتر آنکه هیچگونه بر که اضافی به نام ایشان ترتیب نیافته است.

ب - نام کتابها در فهرست نویسی «نام کتابها» که گاهی به دو نام اشتهاز دارد به يك روش عمل نشده و چه بسا فراموش شده که کتاب اساساً دارای دو نام بوده است. همچنین است مجموعه‌هایی که بدستور مجزا در يك مجلد و یا در حواشی

و هاشم آثار گرد آمد. و چاپ شده است. در بسیاری از کتابها نام کتاب با نام سلسله انتشارات اشتباه شده است. برای نمونه کتاب شناسی آموزش و پرورش، تالیف اینجانب اینگونه آورده شده است: «مجموعه کتابشناسیهای موضوعی فارسی، کتابشناسی آموزش و پرورش»

ج: تعیین عنوان موضوعی: اگر گفته شود برد کترین نا بسامانی در عناوین موضوعی به چشم میخورد شاید سخنی راستین و بجا باشد. بسیاری از کتابهایی که به زبان فارسی نوشته شده با عنوان موضوعی به زبان انگلیسی در فهرس دیده می شود. شك نیست که چنین اقدامی در کمال بسی انصافی و بسی اطلاعاتی است. در کتابهایی که عنوان موضوعی فارسی داده شده نیز عدم بکنواختی مشهود است.

برای مثال: «اصول بیماریهای ارثی» از محمد علی مولوی

(۱) بیماریهای ارثی

(۲) ارثی، بیماری

(۳) توارث - بیماری

(۴) پرشکی

(۵) Genetics - Diseases

موهن ترین همه شکل آخرین است که عبارت «انگلیسی» برای اثر فارسی بکار گرفته شده است.

د - کاربرد نشانه های نگارشی یا نشانه گذاری و اختصارات: در امر فهرست نویسی به منظور بر خورداری از نظام واحد نشانه گذاری و اختصار کلمه مرسوم است که در همه برگه های فهرست بکنواخت نیست. گاهی به هنگام دگرگونی نام و نام مشهور بجای علامت (۱) نشانه (۲) را بکار بسته اند و زمانی نیز بجای نقطه، چین

کرده‌اند. خلاصه آنکه علائم ثابت و گویائی در بسیاری از برگه‌ها به چشم نمی‌خورد. اختصار کلمه نیز دچار همین سرنوشت است. هر کتابداری به سلیقه شخصی نشانه‌هایی را برای اختصار کلمه انتخاب کرده و به کار برده است.

### ۵- چند گونه‌ای و تنوع اصطلاحات فهرست نویسی: بیماری مسری‌ای که

این روزها گریبانگیر اهل علم شده همانا واژه‌سازبست. هر کلمه‌ای را بدون توجه به مفهوم و معنی در استفاده می‌آورند و پسوند هائی بدان می‌افزایند و دیری نمی‌گذرد که در همه جا خواه درست و یا نادرست به کار می‌رود. در برگه‌ای بر- جو زدیم به «چهره گر» بجای «نقاش». حال همین کلمه ساده «چهره گر» برای مراجعه کنندگان چگونه مفهوم می‌دارد؟ این را نیز بگویم که هر چه بتوان زبان پارسی را از واژه بیگانه به هر اسم و رسم پاک ساخت زیبنده و خوشایند است. اما نه بدان حد که از کیفیت و ماهیت معنی و مفهوم بکاهد و در نظر خواننده از ذهن دور نماید. در فهرست نویسی برای «اصحح» کلماتی از قبیل «ویراستار» و «ویرایشگر» و «ویراننده» به کار برده می‌شود که این خود در اذهان مراجعان به فهرست کتابخانه ایجاد این تردید و شک را خواهد کرد که معانی این کلمات باهم چه تفاوتی دارد.

و - زبان و خط اصلی که بیاید املاک تعمیم ضوابط ثابت باشد.

همانطور که در قسمت عنوان موضوعی متذکر شدیم خط و زبان ثابت و اصلی دچار نابسامانی است. بیشتر کتابخانه‌ها خط و زبان فارسی را پذیرفتار آمده و با مال کلیه آثار فهرست شده آنها با همین خط و زبان است. اما در بعضی کتابخانه‌ها زبان و خط انگلیسی را پذیرفته‌اند. در نتیجه نام مؤلف فارسی و عنوانهای اضافی را با کلمات انگلیسی و حروف لاتین نشان داده‌اند که البته عذریست بدتر از



ز: جای ثابت و یکنواخت برای ضبط وثبت مشخصات فنی اثر نیز در خود مدافه است. چه در اکثر بر که های فهرست موجود در کتابخانه های دانشگاهی جای مؤلف، نام کتاب، مترجم، مصحح، محل انتشار، جلد، تعداد صفحات، تدوین، نقشه و قطع و جز آن در جاهای مختلف نوشته شده و فهرست کتابخانه را از صورت یکسان بیرون آورده است.

آنچه به اختصار سخن رفت نابسامانیهاست که در فهرست های موجود دانشگاه تهران دیده شده است. این نابسامانیها سر چشمه از موارد زیر دارد:

(۱) بعضی از کسانی که به فهرست نویسی در دانشگاه ها و مؤسسه های وابسته اشتغال دارند اغلب معلومات عمومی لازم را ندارند و آموزش کتابداری ندیده اند. در نتیجه متکی به سلائق و دانش شخصی خود اقدام به تدوین فهرست می نمایند.

(۲) کسانی که آموزش کتابداری دیده اند بیشتر به هنگام تحصیل با فهرست نویسی آثار انگلیسی و مانند آن آشنائی پیدا کرده اند و در برخورد با آثار فارسی، عربی، اردو و پشتو و مانند آنها توانائی کافی برای عمل را ندارند.

(۳) نداشتن ضوابط قطعی برای نام اشهر نویسندگان، عنوان موضوعی و نیز قواعد و اصول فهرست نویسی است که منشأ و اساس بسیاری از نارسائیهاست.

برای چاره جوئی بایسد به دو برنامه توسل جست. نخستین آن با شرایط موجود امکان پذیر است و نیازی به گرد هم آئی و برنامه ریزی دراز مدت نخواهد داشت و آن تمرکز دادن امور فهرست نویسی حداقل در هر دانشگاه است. با انجام چنین کاری از اتلاف نیروی انسانی، دوباره کاری و نابسامانی و تشتت در عقاید و آراء در يك دانشگاه ممانعت می گردد.

دو دیگر برنامه ریزی دراز مدت است که کاستی ها در امر فهرست نویسی

به ترتیب زیر بر طرف می‌شود:

(۱) گروهی از کتابداران با اشتراك مساعی افرادی که در شناخت اسامی فارسی و عربی و غیره تخصصی دارند به تدوین راهنمایی برای نام اشهر نویسندگان اقدام نمایند.

(۲) انجمنی چند از کتابداران مأموریت یابند که اصول فهرست نویسی برای آثار شرقی را با توجه به آنچه که در مجموعه قوانین «American Rules Anglo» می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، وضع و تألیف نمایند. بدیهی است اعمال موی به موی «Anglo American Rules» که ترجمه آن در دسترس است نه تنها سودمند نیست بلکه در نابسامانی و تخریب شالوده و بنای زبان مؤثر است.

(۳) کتابداران با همکاری گروهی از صاحب نظران در رشته‌های مختلف علوم، ادبیات، فلسفه، زبان، علوم اجتماعی، تاریخ، جغرافیا و ادیان به گرد آوری «عنوان موضوعی» برای آثار فارسی پردازند. در این راه با توجه به همه معایب، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران پیشقدم بوده و اولین عنوان موضوعی را چاپ نموده و مرکز خدمات کتابداری نیز در این زمینه کوشیده است.

(۳) در آموزش کتابداران برای امر فهرست نویسی تنها به بیان قواعد و قوانین یاد شده و تمرین با آثاری به زبان فرنگی اکتفا نگردد بلکه بیشتر به قواعد و قوانین فهرست نویسی برای آثار شرقی پرداخته آید و حتی می‌تواند پاره‌ای از مطالب عنوانی برای پژوهش نامه ایشان باشد.

دو دیگر طبقه بندی است - آنچه از لوحه‌های مکشوفه و تاریخچه کتابخانه‌ها در مشرق زمین و خاصه ایران مشهود است جایگزینی سنگنبشته‌ها، لوحه‌ها، کتابها و اسناد با نظام موضوعی بوده است. تا آنجا که ابن سینا در گزارشی از کتابخانه سامانیان

می نویسد: کتابهای هم موضوع در غرفه و خانه های مخصوص قرار داشت. کتابداران بنام ایران چون محمد بن موسی خسوارزمی متوفی ۲۲۵ هـ. ق و خطیب تبریزی متوفی ۴۸۲ هـ. ق کتابخانه های موضوعی احداث کرده بودند. از همه مهمتر فهرس باقیمانده از آن دوران است. کتاب الفهرست ابن ندیم گویا ترین گواه بر این ادعاست چه در آن کتابهای فهرست شده در ده مقاله و هر مقاله به چند فن (در اصطلاح آنروز) تقسیم شده است. شاید بتوان گمان برد که دیوثی به هنگام تدوین اساس کار خود از این متن و متون دیگر مشرق زمین چون کشف الظنون حاج خلیفه و غیره سود برده باشد.

با چنین مقدمه ای نیک در می یابیم که شرفیها بنیانگذار روش موضوعی در کتابخانه ها بوده اند و در زمانی که انحطاط شرق پیش آمده بوده چون همه امور دیگر، روش جایگزینی کتابها در کتابخانه ها تغییر کرده است و بدانجا انجامیده که امروز به ناچار بایستی یکی از دو روش «دیوثی» یا «روش کنگره امریکا» را پذیرا شویم.

این روشها هر چند از مزایای بسیار برخوردار است اما کارائی آنها برای ملل مشرق زمین خالی از عیب نمی نماید، چه در هر کدام از روشهای مذکور کاستی در زمینه ادبیات، زبان و دین، تمدن و فرهنگ، جغرافیا، تاریخ و آداب و رسوم به وضوح نمایانست.

از همه مهمتر اشتباهاتیست که به عمد و یا خطا در مورد حقوق طبیعی و واقعی ملل به چشم می خورد. من باب مثال در طبقه بندی کنگره امریکا هنوز ندانسته ام به چه دلیل «دربای مازندران» جزء تاریخ و جغرافیای اتحاد جماهیر شوروی به شمار آمده است! حال آنکه دریاها و دریاچه های مشابه یا در رده دریاهای باز و

با بسته مذکور افتاده است. با ذکر این شاهد زنده بیاید این قبیل طبقه بندیها با قید احتیاط به کار رود. ناگفته نماند که گسترشهایی در زمینه ادبیات، زبان، دین و تاریخ و جغرافیای طبقه بندی دیوینی داده شده است. اما گمان ندارد وافی به مقصود باشد.

نظام کتابخانه‌های دانشگاهی مبتنی بر دیوینی و کنگره است. در دانشگاه نهران علاوه بر این در روش در بعضی کتابخانه‌ها از قطع و شماره ثبت نیز استفاده می‌شود. بنا بر این در درجه اول وحدت نظر در انتخاب یک روش ثابت برای کتابخانه‌های دانشگاهی ضرورت تام دارد.

بدیهی است به توصیه یونسکو روش طبقه بندی کنگره امریکا مناسب تشخیص داده شده است. اما تا اتخاذ تصمیم قاطع، لازم است کاستی‌ها و رفع معایب هر دو روش مورد تجزیه و تحلیل عمده‌ای از کتابداران مجرب واقع شود و تا آنجا که امکان دارد این اشکالات برطرف گردد.

بدیهی است در اینجا جدول نام مؤلف یا به زبان دیگر نشانه نام مؤلف و اساساً رسم الخط شماره را هم‌ما باید با دقت نظر بررسی شود.

از تصدیقی که فراهم آورد پوزش می‌خواهد. و چشم دارد عرایض با دیده انصاف نگر بسته آید. و نیز اگر در خلال گفتار از عهده موضوع بر نیامده یا خدای ناخواسته خاطری به جهنی آزرده شده است گناهِش مدارید، چه:

من هیچم و کم از هیچ بسیاری

از هیچم و کم از هیچ نایدکاری

هر سر که از اسرار حقیقت گویم

ز آنم نبود بهره بجز گفتاری!